

تبیین رفتار سیاسی نهضت آزادی در عرصه تحولات انقلابی ایران (از آغاز نخست وزیری آموزگار تا تشکیل دولت موقت مهندس بازرگان)

فریده باوریان^۱

چکیده

نیروهای نهضت آزادی پس از رکود طولانی مدت فعالیت سیاسی، در چند ماهه منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی به تغییر در روند مبارزاتی خویش روی آوردند. رفتاری که واکاوی آن توجه پژوهشگران حوزه مطالعات تاریخ انقلاب اسلامی را به خود جلب کرده است. این تغییر رفتار در کنار عملکرد نهضت آزادی در این برهه سرنوشت ساز، موضوعی است که پژوهش حاضر ضمن بهره گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی با رویکردی تاریخی و روشی توصیفی درصدد مطالعه آن است. این مقاله درصدد است تا ضمن ارزیابی عملکرد این نیروها در اوج تحولات انقلابی، به این پرسش پاسخ دهد که چرا نیروهای ملی-مذهبی به رغم روند مبارزات پارلمانی گذشته خویش در اوج تحولات انقلابی به همراهی با انقلابیون مذهبی به رهبری امام خمینی پرداختند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این نیروها در سیر حوادث آن روزها با آگاهی از ناکارآمدی رویکرد مبارزاتی خویش در فضای تازه و با توجه به سازش ناپذیری رهبری نهضت در مخالفت با حکومت پهلوی و براندازی آن، در نهایت برخلاف رویه مبارزاتی خویش سیاست همگرایانه‌ای را با انقلابیون مذهبی اتخاذ نمودند.

واژه‌های کلیدی: نهضت آزادی، انقلاب اسلامی، امام خمینی، حکومت پهلوی، تظاهرات.

۱. استادیار تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

f.bavaryan@ilam.ac.ir

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

Explaining the political behavior of the freedom movement in the era of revolutionary developments in Iran (from the beginning of the prime ministership of Amouzgar to the formation of the interim government of Engineer Bazargan)

Farideh bavaryan^۱

Abstract

After a long period of stagnation in political activity, the forces of the Freedom Movement began to change their course of struggle in the months leading up to the victory of the Islamic Revolution. The behavior, the analysis of which has attracted the attention of researchers in the field of studies of the history of the Islamic Revolution. This topic and the performance of the freedom movement at this important juncture have been examined in this research, using library and documentary sources, a historical approach, and a descriptive method. Now, the present article seeks to evaluate the performance of the freedom movement forces at the height of revolutionary developments and answer this question: Why did national-religious forces, at the height of revolutionary developments, join forces with religious revolutionaries led by Imam Khomeini, despite their past parliamentary struggles? The research findings show that in the course of events of those days, these forces, contrary to their past struggle, chose a policy of convergence with the religious revolutionaries for the reasons of: awareness of the ineffectiveness of their own struggle approach in the new environment and Imam Khomeini's intransigence in opposing the Pahlavi government and its destruction.

Keywords: Freedom Movement, Islamic Revolution, Imam Khomeini, Pahlavi state, demonstrations.

^۱. Assistant Professor of Islamic Revolution History, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Ilam, Iran.
f.bavaryan@ilam.ac.ir

مقدمه

در اواخر سال ۱۳۵۵ شاه تحت تأثیر اوضاع داخلی و بین‌المللی متوجه این واقعیت شد که نمی‌توان برای همیشه با تکیه بر سرنیزه سلطنت کرد، لذا سیاست جدیدی درپیش گرفت و با ایجاد «فضای باز سیاسی» دست به ابتکار عمل تازه‌ای زد. کم‌کم اشاره به پیدایش فضای تازه از سوی مطبوعات و مقامات حکومتی آغاز شد و با گذر از سال ۱۳۵۵ آزادی‌های سیاسی تازه‌ای به مردم داده شد (سولیوان و پارسونز، ۱۳۷۵: ۳۲۲-۳۲۱). در این شرایط بود که چندین نامه حاوی انتقادات ملایم، در اعتراض به اوضاع خفقان‌بار کشور از سوی نیروهای مختلف برای شاه و دیگر مقامات بلندپایه منتشر شد (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۳۵۸). از اولین این نامه‌ها در ۲۹ تیر ۱۳۵۶، نامه‌ای با عنوان «محضر انوار علمای اعلام و مراجع عظام» بود که از سوی بازرگان در اعتراض به محکومیت ده ساله آیت‌الله طالقانی منتشر گردید. پس از آن دکتر سحابی خطاب به دادرسی ارتش نسبت به این حکم اعتراض کرد. احمد صدر، حسن نزیه و عبدالکریم لاهیجی نیز به‌عنوان وکلای انتخابی آیت‌الله طالقانی نامه‌ای به دیوانعالی کشور نوشتند و به‌خاطر عدم اجازه شرکت در دادگاه وی اعتراض کردند. همچنین در این اوضاع چندتن از ملی- مذهبی‌ها با تأسیس تشکل «جنبش مسلمانان ایران» فعالیت پانزده ماهه خود را جهت روشنگری قشرهای جوان و روشنفکر آغاز کردند (اسناد نهضت- آزادی، دفتر اول؛ ۱۳۶۲: ۹-۱۰/۹ و ۲۰۳-۲۰۱). اما ابراز نظرات مخالف در فضای تازه، تنها محدود به انتشار نامه‌های سرگشاده و تشکیل اجتماعات کوچک نگردید، بلکه فشار و مبارزه در این فضا، امکانی برای تأسیس و فعالیت چهارده حزب و جمعیت سیاسی فراهم آورد که از معروف‌ترین آنها تشکیل مجدد «نهضت آزادی ایران» بود. حزبی که به‌دلیل خفقان موجود، پس از آزادی^۱ سران و فعالانش در سال ۱۳۴۶، عملاً از داشتن سازمان سیاسی

۱. به‌دلیل انتشار اعلامیه‌ای در تحریم فراندوم ششم بهمن، در سال ۱۳۴۱ به حبس محکوم شده بودند (نجاتی، ۱۳۷۳:

کارآمد محروم بود و در کنار فعالیت‌های انفرادی سیاسی، صورت محفلی و دوره‌ای به خود گرفته بود (سحابی، ۱۳۸۸: ۳۰۴/۱ و ۲۹۸). لکن در سال ۱۳۵۶ با سازماندهی مجدد آن، سران و فعالانش با توجه به پیشینه و گرایش‌های فکری-محفلی خود، گونه‌ای مناسبات و رفتار سیاسی از خود بروز دادند که در نهایت در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی به همگرایی‌شان با انقلابیون مذهبی انجامید. نظر به اینکه در این مقطع سرنوشت‌ساز رفتار سیاسی نیروهای نهضت آزادی تأمل‌برانگیز است، پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی رفتار آنها در این مقطع، بخشی از خلأها و ابهامات موجود در حوزه فعالیت‌های سیاسی این حزب را رفع کند.

پیشینه پژوهش

درخصوص نقش نهضت آزادی در تحولات سیاسی ایران طی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در ذیل مباحث مربوط به نقش احزاب و جریان‌های سیاسی، جریان روشنفکری و انشعابات، نقش شخصیت‌های برجسته سیاسی و... در پیروزی انقلاب اسلامی در مقالات و متون مختلف مباحثی ذکر گردیده است. در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد:

مسعودنیا و شکرنوری (۱۳۹۰)، «تجزیه و تحلیل نقش نهضت آزادی در تحولات سیاسی ایران، از تشکیل شورای انقلاب اسلامی تا استعفای بازرگان»: این پژوهش به تبیین علل مشارکت نهضت آزادی در قدرت سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و علل عدم تداوم این مشارکت پرداخته است. کریم‌پور (۱۳۹۶)، «نهضت آزادی و تزلزل و تردید در انقلاب اسلامی»: در این مقاله برخلاف عنوان، عمده مطلب به بررسی تأسیس و فعالیت نهضت آزادی تا سال ۱۳۵۶ اختصاص یافته است و به اختصار ذیل یک تیتر کلی، در بررسی مواضع و فعالیت‌های نهضت طی سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷، به ذکر چند حادثه با محوریت ملاقات بازرگان با امام اکتفا گردیده است.

لؤلویی و همکاران (۱۳۹۲)، «مواضع سیاسی نهضت آزادی در ارتباط با سال‌های آخر سلطنت (۱۳۵۷-۱۳۵۶): این پژوهش ضمن بررسی ملاقات بازرگان با امام، تمرکز موضوعی را بر بیانیه‌های نهضت آزادی پیش و پس از سفر بازرگان به پاریس، ارتباط کلی نهضت با حکومت پهلوی و با آمریکا قبل و بعد از انقلاب اسلامی نهاده است. سلطانی (۱۳۹۸)، «خط سازش: سرنوشت و سرگذشت نهضت آزادی ایران»: درخصوص حوادث مقطع زمانی موردنظر، این کتاب به بررسی مباحثی چون جمعیت حقوق بشر، انتصاب شریف‌امامی و بختیار، ملاقات بازرگان با امام، روابط نهضت با حکومت پهلوی و تشکیل دولت موقت اکتفا کرده است.

اکنون هرچند که در موضوع مورد مطالعه با پژوهش‌های فوق اشتراکاتی وجود دارد. اما نوآوری مقاله حاضر نسبت به این پژوهش‌ها در آن است که دامنه بررسی وقایع، و مواضع و فعالیت‌های نهضت آزادی نسبت به حوادث انقلابی و روند همگرایی با نیروهای مذهبی در فرار و فرود آن روزها مبسوط‌تر مورد مطالعه قرار گرفته است. ازسویی هرچند به اختصار مواضع امام خمینی نسبت به این فعالیت‌ها و اتفاقات بیان گردیده است.

۱. فعالیت نهضت آزادی در تحولات انقلابی دوران نخست‌وزیری آموزگار

شاه آغاز فضای باز سیاسی را با وادار ساختن هویدا، به استعفا از مقام نخست‌وزیری و برگزیدن جمشید آموزگار در تیرماه ۱۳۵۶ در معرض توجه همگان قرار داد. از آنجا که آموزگار، در حزب رستاخیز بالاترین مقام را احراز کرده بود، تشکیل دولت از سوی او، نشانه‌هایی از آزادسازی فضای سیاسی را دربر داشت. اما با وجود تغییراتی که توسط وی برای بهبود اوضاع کشور صورت گرفت، تغییر اساسی در خط‌مشی سیاسی حکومت ایجاد نشد لذا با مشاهده عدم بهبود اوضاع مخالفان به جمع‌آوری نیروهای خود اقدام کردند تا در رویدادهای ضدحکومتی شرکت کنند. بنابراین در ماه‌های مهر و آبان، یکی از سیماهای مهم

جنبش مخالفان سازش‌ناپذیری تقریباً همه‌گیری بود که با شاه وجود داشت. با توجه به اینکه دوره آموزگار آغاز دوره شورش‌های انقلابی بود، نیروهای ملی - مذهبی برخلاف انقلابیون مذهبی، که اکثریت تظاهرات‌ها را رهبری و هدایت می‌کردند، حالت صبر و مراقبت به خود گرفته بودند. به گفته استمپل «آنان از عکس‌العمل خصمانه ایالات متحده در برابر هرگونه اقدام خشن علیه شاه بیم داشتند». با توجه به این امر، فعالیت‌شان تنها در صدور اعلامیه‌هایی علیه حکومت به مناسبت‌های مختلف محدود ماند (استمپل، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

۱-۱. برگزاری سخنرانی‌های مذهبی - سیاسی

در شرایط پراشتهای آن روزها، نیروهای ملی - مذهبی برنامه‌ای برای ایراد سخنرانی‌های اسلامی - سیاسی در مسجد قبا تدوین کردند که غالباً از مواضع نواندیشانه اسلامی و انقلابی برخوردار بودند (اشکوری، ۱۳۷۹: ۲۳/۲). در این زمان بیشتر شرکت‌کنندگان در این سخنرانی‌ها را دانشجویان تشکیل می‌دادند (مراسان، ش. بازیابی ۱۵۵۳). اما در میان عموم مردم، متعصبین مذهبی و حامیان نهضت آزادی نیز طرفداران قابل توجهی داشتند (مراسان، ش. بازیابی ۱۳۴۵۸). این سخنرانی‌ها در شهریور ماه ۱۳۵۶ که مصادف با ماه رمضان بود به دعوت آیت‌الله مفتاح با سخنرانی‌های دکتر غلامعباس توسلی، حبیب‌الله پیمان، کاظم سامی، حسن توانائیان‌فرد، یدالله سبحانی، شیخ علی‌آقا تهرانی، مهدی بازرگان و... ادامه یافت. در همین سخنرانی‌ها بود که بازرگان سخنرانی معروف «آفات توحید» را در ارتباط با برخی از افکار و آراء دینی دهه ۱۳۵۰ ارائه داد (بازرگان، ۱۳۹۱: ۶۹/۲۴ و اشکوری، ۱۳۷۹: ۹۵/۲).

۱-۲. واکنش نسبت به فوت سید مصطفی خمینی

آنچه در فضای تازه نیروهای نهضت آزادی را بیشتر به نهضت اسلامی نزدیک ساخت. مرگ مشکوک «سید مصطفی خمینی» در اول آبان ۱۳۵۶ بود. در این روز نهضت آزادی ضمن

صدور اعلامیه‌ای حکومت را مسئول فوت وی معرفی کرد و در هشتم آبان در برگزاری مراسم ترحیم وی در مسجد ارگ شرکت نمود. مراسمی که همه چهره‌های برجسته چپ، مذهبی، ملی و ملی-مذهبی در آن حضور داشتند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۲۰ و ۲۵). مدیریت این مجلس را نیروهای نهضت آزادی به عهده داشتند. برای تشکیل این اجتماع و امضای آگاهی ختم، به تلاش‌های مهدی بازرگان اشاره شده است (صفاریان و معتمد، ۱۳۸۳: ۸۳). اما در پی فوت وی اعلامیه‌های متعددی انتشار یافت که از برجسته‌ترین آنها بیانیه «درخواست همگانی» در ۱۱ آبان ۱۳۵۶ با امضای جمعی از ملیون، ملی-مذهبی‌ها و افراد سرشناس بود. این بیانیه حاوی انتقادات ملایمی از حکومت بود، و هیچ‌گونه مطلبی مبنی بر استعفای شاه و الغای رژیم پهلوی نیامده بود (باقی، ۱۳۸۲: ۲۲۴). لکن درخواست‌هایی چون آزادی زندانیان سیاسی، الغای نام تک‌حزبی، آزادی احزاب، مجامع مذهبی و اتحادیه‌های مذهبی، آزادی مطبوعات، عقاید و نشر افکار و..... مطرح شده بود (اسناد نهضت آزادی، دفتر اول، ۱۳۶۲: ۱۹۵/۹-۱۹۲). اما این گونه موضع‌گیری‌ها مورد تأیید امام قرار نگرفت و ایشان ضمن پیامی در ۲۵ آبان ۱۳۵۶، این گونه موضع‌گیری‌ها را رد کردند و درباره فضای ایجاد شده فرمودند: «اکنون که فرصت به دست آمده است باید با هوشیاری و دوراندیشی و وحدت کلمه، گروه-های صد درصد پایبند به اسلام.....نگذارند فرصت‌جویانی که یک قدم و یک قلم برای اسلام و ملت شریف ایران بر نداشته‌اند، اکنون در این فرصت استفاده کنند» (امام‌خمینی، ۱۳۷۹: ۲۶۷/۳-۲۶۶). اما فعالیت در آن فضای پرالتهاب فعالیت این نیروها، صرفاً به انتشار این گونه نامه‌های سرگشاده، برگزاری مراسم سخنرانی و تشکیل اجتماعات محدود نماند، بلکه آنان با تشکیل «کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر» و تشکیل مجدد «نهضت آزادی» به فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی روی آوردند.

نهضت آزادی از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۵ بدون آنکه اعضای آن استعفا کرده باشند، عملاً در حالت تعطیلی به سر می‌برد و دچار سردرگمی و نداشتن استراتژی مشخص در مبارزه بود. اما از سال ۱۳۵۵ به‌خاطر تحولاتی که در جنبش ضداستبدادی و موضوع حقوق بشر کارتر صورت گرفت، دوباره جوّ سیاسی مساعدی برای مبارزه سیاسی علنی آن امکان‌پذیر شد (یاحسینی، ۱۳۹۰: ۳۶۲/۲-۳۶۱). لذا در نیمه دوم سال ۱۳۵۶ مصادف با نخست‌وزیری آموزگار به‌دعوت بازرگان جلساتی برای تجدید فعالیت آن به‌عمل آمد که مورد موافقت قرار گرفت (یزدی، ۱۳۷۹: ۳۶۶-۳۶۰). با راه‌اندازی این تشکیلات، نهضت آزادی برای ارتباط با مخاطبان خود در نیمه اول سال ۱۳۵۷ نشریه‌ای با عنوان «پیام» منتشر کرد (یاحسینی، ۱۳۹۰: ۳۶۱/۲). پس از آن در ۲۸ آبان ۱۳۵۷ دست به انتشار نشریه دیگری با عنوان «اخبار جنبش اسلامی» زد (اسناد نهضت آزادی، دفتر اول، ۱۳۶۲: ۱۱۳/۹). در همین راستا در اواسط نیمه اول سال ۱۳۵۷، نهضت آزادی با اطلاعیه‌ای درباره قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ بعد از یک دوره برکناری از فعالیت‌های سیاسی، به‌طور علنی به عرصه فعالیت سیاسی بازگشت (امیری، ۱۳۸۹: ۱۶۸). لکن اولین اعلامیه جدی آن در ۶ شهریور ۱۳۵۷، تحت‌عنوان «راه نجات ایران از بن‌بست حاضر؛ هشدار نهضت آزادی ایران به شاه و ملت» منتشر شد. اعلامیه‌ای که به اعلامیه «گام‌به‌گام یا سنگ‌به‌سنگ» مشهور شد (سحابی، ۱۳۸۰: ۳۵-۲۶). در این اعلامیه شاه به‌عنوان مسبب همه نابسامانی‌ها، آماج انتقاد و حمله قرار گرفت و به او توصیه شد برای رفع بن‌بست، کشور را ترک کند (بازرگان، ۱۳۷۷: ۲۴۸/۲-۲۴۷). براین اساس آنان شعار «شاه باید برود» را برخلاف عقایدشان مبنی بر اینکه «شاه باید سلطنت کند نه حکومت»، برای اولین بار در ششم شهریور به‌صورت آشکار مطرح کردند. پس از آن مرامنامه‌ای جدید در سال ۱۳۵۸ تدوین نمودند و طی دو کنگره در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ ساختار سازمانی نهضت آزادی را در دوران جدید سازماندهی کردند (سحابی، ۱۳۹۲: ۱۰۵/۲-۱۰۳). با این‌وجود، نهضت آزادی نتوانست سازماندهی ضروری متناسب با شرایط ویژه

تاریخی خود به وجود آورد و از همان آغاز برخی مشکلات در تفکر و عمل میان آنان عیان شد. اما بخشی از این ناکامی ناشی از شتاب حوادث سیاسی کشور و بخش دیگر معلول حضور طیف عمده‌ای از سازمان‌دهندگان اصلی نهضت در زندان و خارج از کشور و یا عدم فعالیت سیاسی و تشکیلاتی طی سالیان گذشته بود و برای اولین بار بعد از هفده سال طی گردهمایی دورهم جمع شده بودند (یزدی، ۱۳۷۹: ۳۵۷-۳۵۲).

۱-۴. تشکیل کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر

در چنین فضایی که هنوز فعالیت سیاسی رسمی و علنی ممکن نبود، نیروهای ملی-مذهبی همراه تنی چند از چهره‌های سیاسی در اندیشه تأسیس تشکیلاتی با استفاده از پوشش جافتاده حقوق بشر افتادند که شناخته شده و مقبول جهانی برای فعالیت سیاسی بود (اشکوری، ۱۳۷۹: ۱۶/۲-۱۵). در تشکیل کمیته مبنای تحلیل‌شان آن بود که اگر از حقوق بشر و آزادی‌های فردی و اجتماعی دفاع نمایند آمریکایی‌ها بنا به شعارهایشان، نمی‌توانند جلوی تشکیل حزب را بگیرند. چون تشکیل کمیته حقوق بشر تحقق شعارهای آمریکا است (یا حسینی، ۱۳۹۰: ۳۶۰/۲). براساس این تحلیل‌ها بود که فکر تأسیس این جمعیت در ۲۵ فرودین ۱۳۵۶، توسط «فتح‌الله بنی‌صدر» طی گردهمایی متشکل از نیروهای ملی-مذهبی در منزل امیرحسین پولادی قوت گرفت، و سرانجام در ۱۶ آذر ۱۳۵۶، این هدف تحقق یافت (بازرگان، ۱۳۷۷: ۲۲۷/۲-۲۲۶). در این روز ۲۹ نفر از شخصیت‌های سیاسی، دانشگاهی و حقوقی طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد «کورت والدهایم» تشکیل «کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر» را اعلام کردند. آن‌ها در این نامه به طور مشروح خواستار یاری سازمان ملل در تحقق آزادی و دموکراسی در ایران شدند و چگونگی شکنجه‌های دادگاه‌های نظامی و بازداشت‌های گسترده رژیم را برای ارباب مخالفان تشریح کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۶۲۱). پس از آن در ۱۹ آذر، اعلامیه تأسیس این کمیته با امضای بازرگان و سنجابی منتشر شد (یوسفی‌اشکوری، ۱۳۷۹:

۱۵-۱۶/۲). بنابراین کمیته حقوق بشر با مرکزیت تهران برای مدت نامحدودی تشکیل شد و اساسنامه‌ای در ۲۳ اسفند ۱۳۵۶ در بیست ماده و چهار تبصره برای آن تنظیم گردید (اسناد نهضت آزادی، دفتر دوم، ۱۳۶۲: ۴۱/۹-۳۹). با ارسال نامه حسن نزیه به کورت والد‌هایم کمیته مذکور به عنوان چهلمین عضو رسمی سازمان ملل به رسمیت شناخته شد (حاج سید-جوادی، ۱۳۸۷: ۱۴۳). با توجه به اینکه اعضای کمیته متشکل از نمایندگان گروه‌های مخالف چون کانون نویسندگان، کانون وکلاء، حزب ایران، نهضت آزادی، نهضت رادیکال، جامعه سوسیالیست‌ها، جامعه اسلامی پزشکان، کانون مهندسين و... بود (فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد، ۱۳۶۸: ۱۲۰)، در این مقطع برای مذاکرات و پیدا کردن راه‌حل‌ها به صورت مهم‌ترین ابزار سازمانی درآمد که تمام گروه‌های مختلف میانه‌رو، در آن نماینده داشتند (استمپل، ۱۳۷۸: ۲۰۹). آنها علاوه بر حمایت‌های داخلی، در خارج از کشور نیز از حمایت ملی-مذهبی‌هایی چون صادق قطب‌زاده و ابراهیم یزدی برخوردار بودند. این دو، کانال ارتباطی کمیته برای استفاده از حقوقدانان بین‌المللی بودند که برای ارزیابی حقوق بشر به ایران می‌آمدند (صفاریان و معتمد، ۱۳۸۳: ۸۳). کمیته حقوق بشر که تا بهمن ۱۳۵۷ به مدت چهارده ماه به فعالیت‌های خود ادامه داد. از مهم‌ترین اقداماتش بازکردن پای محافل بین‌المللی و مجامع حقوق بشری به ایران، مصاحبه‌های مطبوعاتی با شخصیت‌ها، علما، مراجع و زندانیان آزاد شده، فراهم آوردن زمینه انتخاب و کیل برای زندانیان سیاسی، کاهش فشارهای امنیتی در جامعه، ارسال نامه سرگشاده در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ به شاه و... بود (اسناد نهضت آزادی، دفتر اول، ۱۳۶۲: ۱۱۷/۹-۱۱۵ و بسته‌نگار، ۱۳۹۲: ۱۰-۴).

۱-۵. مواضع نسبت به حوادث دی ماه ۱۳۵۶ و وقایع متعاقب آن

در پی درج مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات، با تظاهرات مردم قم در ۱۹ دی آتش انقلاب در سراسر کشور شعله‌ور شد. پس از آن با برگزاری چهلم‌ها و بزرگداشت‌های زنجیره‌ای در

شهرهای مختلف قیام تداوم یافت. در این اوضاع نیروهای ملی-مذهبی در ارتباط با چهلم‌های زنجیره‌ای فعالیت می‌کردند و با صدور و انتشار اطلاعیه به تلاش برای برگزاری مراسم‌هایی برای تجلیل از کشته‌شدگان در مساجد می‌پرداختند. آنها در برگزاری دو مراسم به مناسبت چهلم مردم در شهرهای مختلف؛ قم، تبریز، جهرم، اهواز و.... پیشگام بودند. در این هنگام یکی از اقدامات مهم بازرگان و ۵۴ نفر از مبارزان سیاسی «تحریم نوروز سال ۱۳۵۷» به‌خاطر قیام مردم تبریز بود. لذا در ۲۵ اسفند ۱۳۵۶، اطلاعیه‌ای با این مضمون انتشار یافت؛ اکنون که آیت‌الله خمینی اعلام عزای عمومی کرده‌اند، برای بزرگداشت شهدای قم و تبریز و ابراز انزجار از اعمال خلاف انسانی صهیونیست‌ها، دهم فرودین ۱۳۵۷ در مسجد آذربایجانی‌ها گردهم می‌آییم (اسناد نهضت آزادی، دفتر اول، ۱۳۶۲: ۲۲۱/۹). به گزارش ساواک به‌دنبال این دعوت جمعیتی در حدود شش هزار نفر در مسجد مذکور جمع شدند. در این مجلس واعظ ضمن اشاره به حوادث تبریز اظهار نمود که برای تأمین آزادی باید کشته بدهیم، دولت باید آزادی را رعایت کند و اجازه برگزاری مجالس را بدهد و تأکید کرد که ما دستگاه استبداد را نمی‌خواهیم چرا که ایران باید به یهودیان نفت بدهد و از آنها پشتیبانی - کند (انقلاب اسلامی به‌روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۱۱۲/۴). پس از آن در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷، به مناسبت برگزاری مجلس چهلم شهدای یزد، جهرم و اهواز به دعوت دکتر سحابی، احمد صدر و بازرگان و با تأیید جمعی از روحانیون مبارز مراسمی با حضور خبرنگاران خارجی در مسجد جامع تهران برگزار شد که انعکاس جهانی یافت (بازرگان، ۱۳۹۱: ۷۰/۲۴).

اما به‌رغم این فعالیت‌ها و نزدیکی به جناح‌های مذهبی هنوز نهضت آزادی بر مبارزه قانونی در چارچوب قانون اساسی و عدم نفی نظام سلطنتی تأکید می‌کرد. به‌گفته جعفری تا خرداد ۱۳۵۷ آینده برای این نیروها مبهم بود و امیدی به سرنگونی زودهنگام حکومت نداشتند. براین اساس در آن مقطع استراتژی روشن و مشخصی برای سرنگونی رژیم و حکومت پس از آن از سوی آنها وجود نداشت (یا حسینی، ۱۳۹۰: ۳۹۱/۲-۳۹۰)

۲. فعالیت نهضت آزادی در تحولات انقلابی دوران نخست‌وزیری شریف‌امامی

با انتصاب شریف‌امامی به نخست‌وزیری در پنجم شهریور ۱۳۵۷، شاه او را آخرین شانس خود برای مهار آشوب‌ها تلقی کرد، لذا شرط وی مبنی بر عدم دخالت مستقیم در امور کشور را پذیرفت. بدین ترتیب دوران انحصار قدرت در دست شاه پایان یافت، اما نخست‌وزیر جدید به‌رغم دادن امتیازهایی به مخالفان، از سوی آنان مورد پذیرش قرار نگرفت. چون از نظر مخالفان این امتیازات آشتی‌جویانه به‌طور چشمگیری یک‌طرفه بود (سولیوان و پارسونز، ۱۳۷۵: ۳۴۴ و ۱۵۲). در این میان امام خمینی طی اعلامیه‌ای نخست‌وزیری وی را نیرنگ شیطانی شاه و پیشنهاد آشتی با روحانیون را وعده پوچ و فریبکارانه دانستند و از مردم خواستند تا برچیده‌شدن رژیم پهلوی به مبارزه ادامه دهند (امام‌خمینی، ۱۳۷۹: ۳/۴۵۰-۴۴۹).

به‌دنبال عکس‌العمل گروه‌های مختلف به این تغییرات نهضت آزادی در اعلامیه‌ای تحت‌عنوان «در کجا هستیم» انتصاب شریف‌امامی و اقداماتش را نشانه عقب‌نشینی حکومت در برابر احساسات و اجتماعات مردم به حساب آورد و آن را نتیجه تشخیص حکومت و تصمیم و تحمیل کشورهای بیگانه حامی آن قلمداد کرد. از نظر نهضت این انتصاب تحولی در رویه دستگاه و نقطه عطفی در مبارزات ملت ایران محسوب شد (بازرگان، ۱۳۷۷: ۲/۴۲۴). با گذشت یک ماه از انتصاب شریف‌امامی، در مهر ۱۳۵۷ نهضت آزادی بار دیگر در مقاله «نگاهی به کارنامه یک‌ماهه شریف‌امامی» با ذکر اقدامات وی، نخست‌وزیر را بازیگری کهنه‌کار، فریبکار و عامل برنامه‌های رفرمیستی با برنامه‌های انحرافی و نمایشی خواند. مقاله‌ای که اولین اعتراض روزنامه‌ای علیه شریف‌امامی در دوران نخست‌وزیری او محسوب می‌شود (اسناد نهضت آزادی، بی‌تا: ۷۴/۱۱-۷۳).

با وجود این مواضع، بنا به تقاضای مهندس بازرگان، ناصر میناچی و فرزند آیت‌الله شریعتمداری ملاقاتی با شریف‌امامی داشتند و یک رشته خواسته‌ها مطرح کردند که مورد موافقت نخست‌وزیر قرار گرفت. از اهم این درخواست‌ها تقاضای حمایت دولت از نهضت

آزادی، بازگشایی حسینیه ارشاد، عدم دخالت شاه در کارهای روزانه دولت و اکتفا به شعار شاه سلطنت کند نه حکومت و... بود (اسناد لانه جاسوسی، بی تا: ۲۴۹/۳-۲۴۸). در این زمان خبرنگار روزنامه «لوموند» این چنین به نگرانی و انتقاد بازرگان از روش منفی انقلابیون مذهبی در انتقاد از فعالیت‌های شریف امامی اشاره می‌کند: «در روز ۱۵ شهریور، مهدی بازرگان ترس خود را برای من آشکار ساخت او خصوصاً از وضع منفی مخالفان سیاسی- مذهبی دولت شریف امامی انتقاد کرد. به نظر او مخالفین باید روش معتدل‌تری داشته و سیاست صبر و انتظار را در پیش گیرند تا رژیم را در برنامه آزادی‌هایش مورد آزمایش قرار دهند نه اینکه از پیش او را محکوم کنند» (علیان‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۹۶/۵-۲۹۵). اما این موضع‌گیری و ملاقات به‌رغم انتشار اعلامیه‌های فوق نشان می‌دهد که آنان با وجود انتشار اعلامیه‌هایی در انتقاد از شریف امامی همچنان در پی حفظ سلطنت و اصلاحات در ساختار حکومت بودند.

۲-۲. مواضع نسبت به حوادث شهریورماه ۱۳۵۷

با گذشت چند روز از انتصاب شریف امامی، روحانیت برای ۱۳ شهریور روز عید فطر اعلام راهپیمایی کرد. این راهپیمایی پس از مراسم نماز عید در قیطره تهران برگزار شد و نظم آن را کمیته‌ای از روحانیون، نهضت آزادی، جبهه ملی و انجمن بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران به عهده داشتند (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۴۹). با وجود حضور گروه‌های مختلف این نظم انعکاسی از قدرت روحانیون را به نمایش گذاشت و سایر گروه‌ها را در حاشیه قدرت آنان قرار داد (نجاتی، ۱۳۷۳: ۸۶/۲). بدین مناسبت نهضت آزادی با انتشار اعلامیه‌ای بی طرفی، سکوت و تماشاچی‌گری را گناه دانست و بیان داشت که افکار عمومی فریب سرگرمی و برنامه انحرافی را نمی‌خورد و در مسیر استقلال، آزادی و حکومت اسلامی با رهبری آیت‌الله خمینی حکومت طاغوت را از میان برمی‌دارند (اسناد نهضت آزادی، بی تا: ۷۳/۱۱). به دنبال آن در

صبح ۱۷ شهریور شماری از اعضای جمعیت دفاع از حقوق بشر و نهضت آزادی دستگیر شدند و حبس‌شان ده روز ادامه یافت (بازرگان، ۱۳۷۷: ۲/۲۵۰-۲۴۹).

اما طی آن روزها آنچه موجبات تغییر رفتار سیاسی نیروهای ملی-مذهبی را رقم زد، حادثه خونین ۱۷ شهریور بود. این حادثه که صعود سریع‌تر امام و روحانیون را به مقام رهبری برتر در ائتلاف انقلابی به همراه داشت (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۳۶۳)، با ایجاد روحیه تندروری در میان مردم به اعتبار میانه‌روهایی چون نهضت آزادی که هنوز در برخورد جدی با حکومت مردد بودند، آسیب جدی وارد ساخت (نجاتی، ۱۳۷۳: ۲/۹۲). وقوع این حادثه موجب شد تا برای اولین بار ناصر میناچی و بازرگان در تماس‌های خود با خارجیان مقیم تهران اخطار کنند که مفهوم حوادث میدان ژاله این است که «شاه باید برود» و اگر آمریکا به همراهی خود با شاه ادامه دهد، به همین نحو لجن‌مال خواهد شد (استمیل، ۱۳۷۸: ۱۷۲). در همین راستا به مناسبت چهل‌م شهدای ۱۷ شهریور نهضت آزادی از همه طبقات جامعه دعوت کرد که در ۲۴ مهر با تعطیل عمومی، مخالفت و انزجار خود را از مسببین و عاملین قتل‌عام مردم مسلمان و هم‌صدایی و همگامی مراجع تقلید و جامعه روحانیت اعلام نمایند (بازرگان، ۱۳۷۷: ۲/۲۵۰-۲۴۹).

۲-۲. مواضع نسبت به اخراج امام و هجرت ایشان

پس از حادثه ۱۷ شهریور دولت شریف‌امامی از رژیم بعث درخواست اقدامات محدودکننده‌ای علیه امام نمود. بنابراین از اول مهر خانه امام تحت مراقبت قرار گرفت اما این اقدام بعثی-ها، واکنش طرفداران امام را در پی داشت. در این راستا نهضت آزادی در ۶ مهر ۱۳۵۷ نسبت به محاصره منزل امام خمینی در نجف به دولت عراق اعتراض کرد و چنین اقدامی را برخلاف تمام قوانین بین‌المللی و حقوق اولیه انسانی معرفی نمود و به‌عنوان تجلیل از مبارزات امام برای ۹ مهر دعوت به تعطیل عمومی کرد (اسناد نهضت آزادی بی تا: ۲۳/۱۱).

پس از آن با توجه به اینکه هجرت امام به پاریس شرایط داخلی ایران را به نحو اجتناب-ناپذیری تحت تأثیر قرار داد، اعضای نهضت آزادی طی نشست‌های منظمی با مقام‌های سفارت آمریکا خصوصاً سولیوان به منظور فراهم کردن مقدمات انتقال قدرت بدون خونریزی از حکومت پهلوی به یک نظام دموکراتیک‌تر در چارچوب قانون اساسی مشروطیت به گفت‌وگو پرداختند (میلانی، ۱۳۸۱: ۲۲۲-۲۲۱). اما در خارج از کشور نیروهای ملی-مذهبی در انجمن‌های اسلامی دانشجویان و نهضت آزادی از دو قاره اروپا و آمریکا در مدت ۱۱۴ روز اقامت امام در پاریس دور ایشان گردهم آمدند. این وضعیت موجب گردید تا برخی از نویسندگان خارجی از این طیف به عنوان مفسران آراء و نظرات امام خمینی یاد کنند. چنان-که گری سیک معتقد است: «تلاش این گروه از مبارزان توانست لبه‌های تیز و ناهموار آموزه‌های [امام] خمینی را از میان بردارند و آن را به شکلی جذاب و قابل قبول به گوش دنیای غربی برسانند» (سیک، ۱۳۸۴: ۱۰۰). هرچند که در پاریس از افرادی همچون بنی‌صدر، قطب‌زاده، مکرری، حبیبی و... به عنوان فعالان انقلابی یاد شده است، لکن به گفته آیت‌الله منتظری کلیدی‌ترین نقش مربوط به ابراهیم یزدی بوده است (منتظری، ۱۳۷۹: ۴۱۹/۱). ارتباط نزدیک یزدی با امام سبب شد تا کارتر، «وارن زیمرمن» رایزن سیاسی ایالات متحده در پاریس را مأمور دیدار با وی کند. این دیدار اولین تماس رسمی ایالات متحده با یکی از یاران امام بود (سیک، ۱۳۸۴: ۱۰۱ و ۲۲۲). در این ملاقات یزدی سعی کرد تا آمریکایی‌ها را درباره اعتدال و میانه‌روی گروهی که به دور امام جمع شده بودند، قانع کند (روبین، ۱۳۶۰: ۱۷۹ و ۱۵۹). در این مقطع نیروهای ملی-مذهبی نقش مهمی در مدیریت رسانه‌ای انقلاب در پاریس و ارتباط رسانه‌ها با امام برای تبلیغ انقلاب در سطح جهان داشتند. همچنین یزدی در این زمان از نقش آنان برای تدوین برنامه راهبردی سه مرحله‌ای تشکیل شورای انقلاب، تأسیس و اعلام دولت موقت و تأسیس حکومت اسلامی براساس قانون اساسی یاد کرد (یزدی، ۱۳۹۴: ۳/ ۱۲۸-۱۱۲ و ۴۰۹ و ۲۵۲).

۲-۳. ملاقات با امام خمینی در پاریس

قاطعیت امام خمینی در مبارزه با شاه و همگامی ملت با ایشان، مهندس بازرگان و ناصر میناچی را در ۲۹ مهر برآن داشت تا به فرانسه بروند و با ایشان دیدار نمایند. این مسافرت که دوازده روز به طول انجامید، ده روز آن در پاریس و دو روز در لندن گذشت (بازرگان، ۱۳۷۷: ۲۵۲/۲). به گفته صادق طباطبایی این سفر با آگاهی بازرگان از قبول مسئولیت برای دوران بعد از پیروزی صورت گرفت (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۱۸/۳). سفری که از سوی این نیروها به منظور اطلاع از نظریات امام خمینی، در جریان گذاشتن ایشان نسبت به اوضاع داخلی ایران، پیشنهاد نظم در کار و تعیین یک هیئت نمایندگی از طرف ایشان در تهران برای ابلاغ اعلامیه‌ها و دریافت اطلاعات و دستورات و پیشنهادها، دیدار و ارتباط با نهضت آزادی خارج از کشور و التیام روابط بنی‌صدر با یزدی و قطب‌زاده صورت گرفت (بازرگان، ۱۳۷۷: ۲۵۲/۲).

در این سفر بازرگان طی روزهای ۳۰ مهر و دوم آبان دو ملاقات با امام انجام داد، و به شرح مختصری از وضعیت کشور و جمع‌بندی نظرات سایر همفکران خود پرداخت. امام هم رؤس برنامه‌های سیاسی و لزوم هرچه سریع‌تر تعیین شورای انقلاب و دولت موقت را شرح دادند و از وی درخواست تهیه لیستی از افراد برای حضور در شورای انقلاب و دولت موقت نمودند. با این تذکر که لیست نباید صبغه گروهی داشته باشد. لیست مذکور که متشکل از روحانیون، ملی- مذهبی‌ها، بازاریان، چند تن از نظامیان و... بود با همکاری یزدی تهیه گردید و در دیدار دوم^۱ به امام خمینی داده شد. همچنین صحبت شد که بازرگان سریع‌تر به ایران برگردد و با آیت‌الله بهشتی، هاشمی رفسنجانی و مطهری صحبت کند و مقدمات تشکیل شورای انقلاب را فراهم نماید (یزدی، ۱۳۹۴: ۱۷۱ / ۳). بنابراین بازرگان پس از بازگشت به

۱. به گفته آیت‌الله بهشتی ملاقات دومی صورت نگرفت. چون امام شرط ملاقات را دادن اعلامیه برضد حکومت سلطنتی قرار داده بودند، اما بازرگان با این شرط موافقت نکرد (نظری، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۷۳).

تهران براساس وعده‌ای که در پاریس داده بود در ۱۴ آبان با مشورت افراد نهضت آزادی اعلامیه «آیا وقت آن نرسیده است که نظام حاکم واقع بین باشد»، را صادر کرد و به صراحت بر رفتن شاه، تشکیل حکومت اسلامی، رهبری امام و حمایت از ایشان تأکید کرد (اسناد نهضت آزادی، بی تا: ۱۱ / ۳۱).

۳. فعالیت نهضت آزادی در تحولات انقلابی دوران نخست‌وزیری ازهارى

در نیمه آبان کنترل اوضاع از دست دولت شریف‌امامی خارج شد، بنابراین شاه تصمیم گرفت تا یک دولت نظامی به ریاست غلامرضا ازهارى رئیس ستاد نیروهای مسلح بر سر کار آورد. اما شاه با وجود انتصاب این دولت، روش آشتی‌جویانه‌ای داشت. او دولت نظامی را تا فراهم آمدن یک راه‌حل مذاکره و مصالحه، به‌عنوان یک اقدام موقت نگاه می‌کرد و چنان‌که مشاورین کارتر نوشتند؛ تشکیل کابینه نظامی یک مقابله به‌مثل، برای مرعوب ساختن طیف میانه‌روها و کندن آن طیف از جریان سازش‌ناپذیر امام بود. همچنین اختاری به آنان بود که اگر به تشکیل دولت ائتلافی تن در ندهند، راهی جز کابینه نظامی و اعمال خشونت باقی نمی‌ماند (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۲۹).

اما در چهاردهم آبان یک روز قبل از تشکیل کابینه جدید به دنبال اعلامیه‌ای که نیروهای ملی- مذهبی منتشر کردند، موج جدیدی از دستگیری‌ها و بازداشت‌های نیروهای اپوزیسیون آغاز شد. لکن این دستگیری‌ها بیش از ده روز به طول نینجامید و با مواضع یکسان گروه‌های مخالف اعم از ملی و مذهبی، راهپیمایی‌ها و اعتصابات با تمرکز بر دو اصل اخراج شاه و رهبری امام خمینی گسترش یافت (بازرگان، ۱۳۶۳: ۴۶ و ۵۸-۵۷).

۳-۱. فعالیت در تظاهرات تاسوعا و عاشورا

درحالی‌که بیش از یک‌ماه از عمر دولت ازهارى نگذشته بود این دولت شاهد برگزاری دو راهپیمایی مسالمت‌آمیز در روزهای تاسوعا و عاشورا بود. این راهپیمایی‌ها در پی اطلاعیه امام

در اول آذر ۱۳۵۷ برگزار شدند که ماه محرم را ماه پیروزی خون بر شمشیر نامیدند و از مردم خواستند علیه رژیم به خیابان‌ها بیایند (امام‌خمينی، ۱۳۷۹: ۷۵/۵). پس از آن نهضت آزادی در روز پانزدهم آذر مردم را به راهپیمایی در روز تاسوعا دعوت کرد: «در راه شکوفا کردن و ثمر رسانیدن مکتب الهی اسلام... روز یکشنبه تاسوعا ۱۳۹۹ را به راهپیمایی می‌پردازیم... با راهپیمایی منظم و منطقی خود ثابت کنیم که هرگاه مردم به حرکت درمی‌آیند هدفی مقدس دارند» (اسناد نهضت آزادی، بی‌تا: ۳۹/۱۱). بنابراین با فرارسیدن تاسوعا و عاشورا موضوع برگزاری مراسم از مسائل مهم مورد توجه نیروهای ملی- مذهبی بود. بحث برگزاری مراسم این ایام به صورت جداگانه، در منزل آیت‌الله طالقانی، کمیته حقوق بشر و شورای انقلاب مطرح شد؛ اما سرانجام با موافقت آنها کمیته‌ای متشکل از مهدی عراقی، هاشم صباغیان، محمد توسلی، عزت‌الله سبحانی، عبدالکریم لاهیجی و... برای برگزاری تظاهرات تشکیل شد (سحابی، ۱۳۸۰: ۳۵-۲۶). با این تمهیدات راهپیمایی تاسوعا در روز ۱۹ آذر برگزار شد و نهضت آزادی، کمیته حقوق بشر، آیت‌الله طالقانی، روحانیت مبارز تهران و سایر احزاب و سازمان‌های سیاسی در آن شرکت کردند (استمپل، ۱۳۷۸: ۲۰۴-۲۰۳).

اما راهپیمایی باشکوه‌تر در روز عاشورا برگزار شد و منجر به صدور قطعنامه ۱۷ ماده‌ای شد که شرکت‌کنندگان آن را رفراندوم خواندند (یا حسینی، ۱۳۹۰: ۴۲۵/۲-۴۲۳). این قطعنامه که محصول همکاری نیروهای مختلف ملی و مذهبی بود از سوی مجمع شورای انقلاب متشکل از آیت‌الله بهشتی، موسوی اردبیلی، باهنر و عزت‌الله سبحانی نوشته شد و توسط آیت‌الله بهشتی قرائت گردید (بصیرت‌منش، بی‌تا: ۳۰۰-۲۹۸). در قطعنامه مذکور از کلیه نیروهای مخالف نامبرده شد و ضمن به رسمیت شناختن رهبری امام‌خمينی، خواستار پایان دادن به حاکمیت شاه و ایجاد حکومتی برپایه مفاهیم اسلامی شدند (میلانی، ۱۳۸۱: ۲۳۰). با مشاهده این اوضاع در روز بعد از عاشورا بلافاصله مقامات واشنگتن برای برگزاری گفت‌وگویی تلویزیونی با ابراهیم یزدی نماینده امام در آمریکا تماس برقرار کردند. یزدی در این گفت‌وگو بر مشی

مسالمت‌آمیز امام تأکید کرد و برای اثبات حرف‌هایش، به راهپیمایی روز عاشورا اشاره کرد. وی با اشاره به چشم‌انداز پس از سقوط گفت؛ چنانچه شاه از ایران برود آیت‌الله خمینی یک دولت انتقالی تشکیل خواهد داد تا به برگزاری انتخاباتی آزاد در کشور بپردازد. وی وعده، آزادی بیان، مطبوعات و حتی انتقاد از اسلام را برای هر شهروند ایرانی در حکومت جدید داد (سیک، ۱۳۸۴: ۱۷۷-۱۷۵).

در واکنش به حوادث این روزها در ۲۳ آذر ۱۳۵۷، نهضت آزادی با انتشار بیانیه‌ای راهپیمایی‌های مذکور را گویای هدفی مقدس ملت ایران ذکر کرد. آنها این راهپیمایی‌ها را رفتاردومی طبیعی و مردمی در اجابت به دعوت امام خواندند که ملت شاه را نمی‌خواهد و خواهان حکومت اسلامی است (اسناد نهضت آزادی، بی‌تا: ۳۹/۱۱-۳۸). نهضت آزادی بار دیگر به همراه گروه‌های مخالف در ۲۶ آذر بیانیه مشترکی صادر کرد و ضمن اعلام پایان عمر حکومت بر ادامه مبارزه تأکید نمود (کرباسچی، ۱۳۷۱: ۱۰۳۱/۲). اما راهپیمایی‌های مذکور، ضمن اینکه یکپارچگی گروه‌های سیاسی و رهبری امام خمینی را تأیید نمود، شکست دولت نظامی ازهاری و ناتوانی آن در اداره امور کشور را رقم زد و ضربه سختی به تز خشونت وارد کرد (یزدی، ۱۳۷۹: ۶۵). به همین دلیل یک هفته بعد از این تظاهرات‌ها شاه بلادرنگ برای ایجاد کابینه ائتلافی کوشش خود را از سرگرفت (استمپل، ۱۳۷۸: ۲۳).

۳-۲. مواضع نسبت به تشکیل کابینه ائتلافی

شاه از مرداد ۱۳۵۷ قصد داشت از طریق ایجاد یک کابینه ائتلافی، نفوذ روبه‌گسترش امام-خمینی را از بین ببرد، لذا فرستادگان وی برای تشکیل این کابینه تا آذر ۱۳۵۷ در مجموع پنج ملاقات با نیروهای ملی-مذهبی انجام دادند، اما در همه آن ملاقات‌ها با پاسخ منفی این نیروها مواجه شدند. شاه در این راه از حمایت آمریکایی‌ها که به میانه‌روها امید داشتند، برخوردار بود (اسناد لانه جاسوسی، بی‌تا: ۳/۱۳). در این زمینه طی ماه‌های شهریور تا آذر

۱۳۵۷، دولتمردان آمریکایی به دفعات به تهران آمدند و با سپهبد ناصر مقدم گفت‌وگو - کردند (یزدی، ۱۳۷۹: ۲۲۰-۲۱۹). مقدم در گزارش خود به آنها، عدم موفقیت تلاش‌های صورت گرفته را ناشی از سرسختی امام خمینی، همکاری و ائتلاف بازرگان و همراهانش با ایشان و تحریکات رادیو بی‌بی‌سی فارسی لندن بیان کرده است. او همچنین در نهم آذر طی مذاکراتی با دکتر بوئی معاون سازمان سیا بیان می‌دارد: «اعتدالیون مذهبی مرعوب قشریون مذهبی به رهبری [آیت‌الله] خمینی شده‌اند و در حال حاضر ما نمی‌توانیم روی اعتدالیون مذهبی حساب کنیم. چون هر قدمی که برمی‌دارند... خیر و صلاح مملکت را در نظر نمی‌گیرند» (یزدی، ۱۳۷۹: ۲۲۰-۲۱۹). با این وجود در دوم دی ماه ۱۳۵۷ بار دیگر دکتر صدیقی برای تشکیل کابینه ائتلافی یدالله سبحانی و بازرگان را دعوت به همکاری کرد. اما با پاسخ منفی آنها مواجه شد؛ اینکه نمی‌توانند به‌طور مستقیم کمکی به او بکنند. اما به‌صورت غیرمستقیم همه نوع همکاری خواهند کرد (نجاتی، ۱۳۷۳: ۲۳۴/۲). سبحانی در این زمان مصلحت را در ادامه راهی دانست که در پیش گرفته بودند لکن تأکید نمود اگر پس از قبول مسئولیت شیوه کار و سیاست صدیقی با افکار و نظریات نیروهای ملی-مذهبی منطبق بود از کمک به وی مضایقه نخواهند کرد (سفری، ۱۳۸۰: ۱۴۷/۴). این عدم همکاری را شاه در ملاقاتی با سولیوان این چنین پیش‌بینی کرده بود: «چون بیشتر مخالفان وی جرأت رویارویی با [آیت‌الله] خمینی را ندارند صدیقی قادر نخواهد بود یک کابینه متحد و قدرتمند تشکیل دهد» (سیک، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

اما انتشار خبر مصالحه صدیقی با شاه، واکنش امام خمینی را به همراه داشت: «اینها از طرف ملت نیستند که با شاه مصالحه می‌کنند و شاه پایگاهی در میان ملت ندارد، به‌هیچ‌وجه جای مصالحه نیست». در این زمان امام با قاطعیت هرگونه سازش با شاه را خیانت به ملت ایران و اسلام ذکر کردند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۳۲/۵ و ۲۵۴). با توجه به مواضع امام و توافق حاصل شده در ملاقات بازرگان با ایشان و صدور اعلامیه پس از بازگشت، اگر نیروهای ملی-مذهبی

از سخنان امام خمینی سرپیچی می کردند، نفوذ خود را از دست می دادند. به واقع آنان در این مسئله مرعوب سرسختی و سازش ناپذیری رهبر انقلاب شدند. لذا مجبور شدند تا در برابر موضع قاطع ایشان مبنی بر اینکه شاه باید برود، مقاوتی انجام ندهند.

۴. ریاست هیئت نفت جنوب و کمیته اعتصابات

با ادامه اعتصاب کارکنان شرکت نفت و تعطیل شدن صدور نفت، شورای انقلاب ضمن جلسه هشتم دی، برای سروسامان دادن به امور اعتصابات «کمیته نفت» را به ریاست مهندس بازرگان تعیین نمود (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۴۲/۲۴-۱۳۰). در همان روز امام برای مقابله با برنامه های دولت و تأمین نیازهای مردم در داخل با صدور فرمانی به بازرگان، وی را به عنوان رئیس کمیته نفت مورد تأیید قرار داد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۰۳-۳۰۲). پس از انتشار حکم امام، شخصیت های سیاسی و روحانی چون آیت الله طالقانی، قمی و شریعتمداری در تأیید بازرگان اعلامیه هایی صادر کردند. امام هم در ۱۲ بهمن طی بیانیه ای اهداف هیئت اعزامی نفت را توضیح دادند و از همه خواستند تا با این هیئت همکاری کنند. بنابراین مدیرعامل شرکت نفت ایران عبدالله انتظام، کارگران و کارمندان شرکت نفت آبادان و سایر نقاط به همکاری با این هیئت پرداختند (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۴۲/۲۴-۱۳۰). اما به رغم اینکه کمیته نفت توانست کارش را با موفقیت انجام دهد. اعتصابات در ادارات همچنان در حال توسعه بود. بر اثر زیان این اعتصابات، دکتر بهشتی در گفت و گوی تلفنی با امام پیشنهاد کرد که ایشان هیئتی را برای مدیریت اعتصاب ها تعیین نمایند. به دنبال این تماس و پیرو گزارش های مختلف دیگر، به پیشنهاد مهندس بازرگان و تأیید شورای انقلاب، امام طی حکمی در ۲۸ دی ۱۳۵۷ دکتر سحابی را مسئول کمیته اعتصابات معرفی کردند و به وی مأموریت دادند در رأس هیئتی متشکل از معین فر، مهدی ممکن، کاظم یزدی، مهندس تاج، باهنر، بنی اسدی و کتیرایی برای حل مشکلات ناشی از اعتصابات اقدام کند. با این حکم کمیته اعتصابات کار

خود را شروع کرد و تا زمان بازگشت امام و تشکیل دولت موقت به کار خود ادامه داد (یزدی، ۱۳۹۴: ۲۰۲/۲ و ۱۷۵/۳).

۴. فعالیت نهضت آزادی در تحولات انقلابی دوران نخست‌وزیری بختیار

پس از آنکه تلاش‌های شاه برای تشکیل کابینه ائتلافی به نتیجه نرسید، وی تحت فشار کشورهای غربی خصوصاً آمریکا و انگلیس برای خروج از بحران، بختیار را به نخست‌وزیری منصوب کرد (یزدی، ۱۳۷۹: ۱۶۹). دولتی که وظیفه اصلی‌اش فراهم آوردن مقدمات یک انتقال مسالمت‌آمیز و کنترل‌شده بود. اما با روی کار آمدن بختیار، روزنامه اطلاعات خبر از تلاش‌های گسترده نیروهای ملی- مذهبی، برای ایجاد یک راه ارتباطی بین امام خمینی و دولت از یک سو و برخی از محافل نظامی از سوی دیگر داد (اطلاعات، ۵۷/۱۱/۱۶، ش ۱۵۷۷۷: ۲). در این میان نقش احمد مدنی و عباس امیرانتظام به عنوان حلقه اصلی در این ارتباطات از همه برجسته‌تر بود (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱/۳۲۹-۳۲۸).

پس از انتصاب بختیار، نهضت آزادی در ۲۴ دی با انتشار اعلامیه‌ای مخالفت خود را با دولت بختیار و برنامه‌های او اعلام کرد (اسناد نهضت آزادی، بی تا: ۴۴-۴۷/۱۱). با این وجود آنان در گفت‌وگوهای خود با سفارت آمریکا اعلام کردند که با دولت بختیار مقابله و رقابت نخواهند کرد تا رفتن شاه هرچه قدر ممکن باشد، آرام صورت گیرد (اسناد لانه جاسوسی، بی تا: ش ۱۰-۸/۶). بازرگان و همفکرانش در این زمان امیدوار بودند با همکاری بختیار، تغییر رژیم در ساده‌ترین شکل، بدون خونریزی صورت پذیرد (استمپل، ۱۳۷۸: ۲۲۶). بنابراین طی ۳۸ روز زمامداری بختیار جلسات مکرری از سوی امیرانتظام، بازرگان و دکتر سحابی درخصوص توافق برای استعفای بختیار صورت گرفت (قره‌باغی، ۱۳۶۷: ۲۶۶). سپس بازرگان طی تماس‌هایی در دوم و سوم بهمن با پاریس به تلاش برای دیدار بختیار با امام ادامه داد (سفری، ۱۳۸۰: ۳۹۱/۴). نیروهای نهضت آزادی در نظر داشتند بعد از این دیدار بختیار

استعفای خود را تقدیم امام کند و ایشان هم موقتاً اداره امور را به او واگذار نمایند و آنها مجدداً تأیید ادامه کار وی را از امام بگیرند (امیری، ۱۳۸۹: ۱۶۹). زیرا به نظرشان، بختیار در بیرون فرستادن شاه از کشور موفق شده بود. بنابراین وی در مسیر خواست مردم گام برمی‌داشت. بدین ترتیب اگر این طرح به سرانجام می‌رسید رژیم بدون خونریزی از بین می‌رفت و ارتباط دولت با آن قطع می‌گردد و دولت تسلیم امام می‌شد (کیهان، ۵۷/۱۲/۱۳، ش ۱۰۶۵۲: ۱). نهضت آزادی در این راه از وعده‌های بختیار مبنی بر اینکه پس از مذاکره با امام در صورتی که ایشان بخواهند استعفای خود را تقدیم می‌کند و مجدداً از امام حکم نخست‌وزیری موقت می‌گیرد، مدد می‌گرفتند (باقی، ۱۳۸۲: ۳۷۳-۳۶۹). بنابراین بختیار برای رفتن به پاریس بیانیه‌ای نوشت و در شورای انقلاب توسط بازرگان قرائت شد (یزدی، ۱۳۷۹: ۱۶۱-۱۵۹). اما امام با اطلاع از متن این اطلاعیه در هشتم بهمن، خبر منتشر شده مبنی بر پذیرش بختیار با سمت نخست‌وزیری را دروغ دانستند، و گفتند چون او را قانونی نمی‌دانند، تا وی استعفا ندهد او را نمی‌پذیرند (امام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۵/۵۴۹). این شرط امام موضوع ملاقات و استعفای بختیار را منتفی ساخت. همین امر باعث شد تا وی در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کند نه استعفا می‌دهد و نه به پاریس می‌رود، بنابراین تلاش‌های بازرگان و همفکرانش در این مرحله به نتیجه نرسید (سفری، ۱۳۸۰: ۴/۳۹۱).

۴-۱. مواضع نسبت به شورای سلطنت

با فاصله چند روز از انتصاب بختیار در ۲۳ دی ۱۳۵۷ شورای سلطنت تشکیل شد، اما تشکیل آن از همان ابتدا با عکس‌العمل امام مواجه شد. ایشان پس از آنکه شاه ایران را ترک کرد، بلادرنگ طی اعلامیه‌ای استعفای بختیار، نمایندگان مجلس و اعضای شورای سلطنت را درخواست کردند. در مورد اعضای شورای سلطنت ابتدا سعی شد از میان افرادی که در آن هنگام هیچ مسئولیتی در دستگاه نداشته‌اند و احیاناً نیز سابقه ملی داشتند، استفاده شود

(استمپل، ۱۳۷۸: ۲۲۹-۲۲۷ و ۲۴۳). بنابراین درخواست عضویت توسط امینی با دکتر سبحانی مطرح شد اما وی این پیشنهاد را ردّ کرد. متعاقب آن، امام در پاسخ به استفسار آیت‌الله مطهری درخصوص رد این پیشنهاد توسط سبحانی گفتند: «هرگز، هرگز، مصلحت نیست». امام توضیح دادند که چون سبحانی عضو شورای انقلاب است قبول چنین سمتی صحیح نمی‌باشد (یزدی، ۱۳۷۹: ۱۲۳-۱۲۰). به گفته امیرانظام در اوایل دی ۱۳۵۷، امینی ریاست شورای سلطنت را ابتدا به بازرگان و سپس به سبحانی داد اما آنها نپذیرفتند (امیرانظام، ۱۳۸۱: ۱۷/۱). با وجود عدم شرکت در شورای سلطنت، تشکیل این شورا مورد تأیید حسن نزیه بود، چون به اعتقاد وی تشکیل آن راه‌حلی مناسب و مسالمت‌آمیز برای رفع بحران و تعیین نوع نظام سیاسی مملکت از طریق تشکیل مجلس مؤسسان در غیاب امام خمینی بود (تاریخ تهاجم فرهنگی، ۱۳۸۷: ۲۱۷-۲۱۸).

۲-۴. شرکت در شورای انقلاب

هم‌زمان با تشکیل شورای سلطنت، امام خمینی در پاریس خبر از تأسیس شورای انقلاب برای هماهنگی فعالیت‌های مخالفان شاه داد. بنیاد این شورا در آذر ۱۳۵۷ در پاریس، بعد از مشورت امام با آیت‌الله مطهری و بازرگان ریخته شده بود. ترکیب اولیه آن را آیت‌الله مطهری، طالقانی، هاشمی رفسنجانی، بهشتی، مهدوی کئی، موسوی اردبیلی، باهنر، یزدی، یدالله سبحانی، احمد صدر، کتیرایی، قرنی، بازرگان، عزت‌الله سبحانی و شیبانی تشکیل دادند؛ ترکیبی که تا زمان انحلال چهار بار دیگر عوض شد. با این وجود ملی-مذهبی‌ها همیشه در ترکیب اصلی حضور داشتند (رضوی، ۱۳۷۶: ۱۴۱ و ۲۹۰). در جریان تحولات انقلابی تشکیل این شورا، انعکاس‌دهنده همکاری و اتحاد جناح روحانی با ملی-مذهبی‌ها و معرف دوگونه طرز تفکر، خط‌مشی و برداشت از انقلاب و برنامه‌های آن بود که در این مقطع، فاصله چندانی میان آنها احساس نمی‌شد (بازرگان، ۱۳۹۱: ۲۴/۳۶۰-۳۵۹). حضور نیروهای ملی-

مذهبی در این مجموعه می‌توانست به نیاز فوری پیروزی انقلاب، یعنی وحدت تحقق بخشد. براین اساس آیت‌الله بهشتی برای اینکه فعالیت این نیروها با جامعه روحانیت هماهنگ شود، جلساتی با حضور بازرگان، سنجابی، سحابی، معین‌فر، سامی و پیمان از سوی جامعه روحانیت برگزار کرد (نظری، ۱۳۹۱: ۲۰۵). در آن روزها شورای انقلاب ضمن تماس منظم با امام در پاریس، امور مربوط به روند انقلاب را مورد بررسی قرار می‌داد. از اقدامات اساسی شورا، مذاکره با مقامات دولتی- نظامی و تماس و دیدار و مذاکره با شخصیت‌های دیپلماتیک و مذاکره با بختیار برای استعفا و دیدار با امام بود (بازرگان، ۱۳۷۷: ۲۸۸/۲).

۴-۳. تشکیل دولت موقت

از حدود چهار ماه و شاید بیشتر از آن مانده به پیروزی انقلاب، بحث‌ها و مصاحبه‌هایی از سوی روزنامه‌ها با سران احزاب ملی و ملی- مذهبی درخصوص دولت انتقالی و انتخاب گزینه مناسب برای ریاست آن مطرح شد (اطلاعات، ۵۷/۸/۱۳، ش ۱۵۷۵۰: ۵). کیهان در ۲۶ دی از سنجابی و بازرگان برای ریاست دولت موقت یاد کرد (کیهان، ۵۷/۱۰/۲۶، ش ۱۰۶۱۴: ۲). سپس روزنامه اشپیکل آلمان خبر از انتخاب حسن نزیه از سوی امام به نخست‌وزیری دولت موقت داد (اطلاعات، ۵۷/۱۱/۲، ش ۱۵۷۶۶: ۸). با این اظهارنظرها از اولین روز ورود امام به ایران، بحث تعیین نخست‌وزیر دولت انتقالی به‌عنوان یکی از مباحث مهم مورد توجه قرار گرفت. در این زمان پس از تحلیل نیروهای موجود (مذهبی، ملی‌گرا، لیبرال-مذهبی، سوسیالیست-مذهبی و چپ‌گرا) توسط انقلابیون، در جلسه ۱۴ بهمن که با حضور اعضای شورای انقلاب و امام در مدرسه رفاه برگزار گردید، بازرگان توسط آیت‌الله مطهری برای ریاست دولت موقت پیشنهاد گردید (رضوی، ۱۳۷۶: ۲۲۲). اما امام با توجه به سابقه حزبی وی، چون نمی‌خواستند بدین وسیله حزبی را تأیید کنند با این امر موافقت نکردند. لیکن در نهایت با این شرط که حکم را به شخص او بدون در نظر گرفتن سابقه حزبی بدهند، پیشنهاد

شورا را پذیرفتند و این مطلب را نیز در حکم انتصاب وی قید کردند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱۷۰/۱). انتخابی که محمدجواد باهنر در مرداد ۱۳۶۰ آن را «یک ضرورت تلخ تاریخی» (علی بابایی، ۱۳۸۴: ۱۱۹/۵-۱۱۸) و آیت‌الله بهشتی «از روی اضطرار و ناچاری با علم و آگاهی» از آن یاد کردند (نظری، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۷۳). البته در آن مقطع، انتخاب این طیف به‌عنوان شریک ائتلافی امری فوری و بدون مقدمه نبود، بلکه علت امر مربوط به یک رشته ملاحظات ضروری همچون تجربه اجرایی آنان در مدیریت کشور، موقعیت حرفه‌ای، علمی، سیاسی و مقبولیت عمومی در جامعه، داشتن تشکیلات نسبتاً منسجم حزبی و... آنان بود (برزین، ۱۳۷۴: ۲۷۰ و ۲۶۷). اما جلوگیری از حادث شدن مسائل و درگیری‌های خونین داخلی در انتقال قدرت به‌خاطر رابطه نسبتاً دوستانه‌ای که آنان در گذشته با بختیار داشتند، وجهه‌ای بود که در تحلیل‌های داخلی و خارجی به روشنی انعکاس یافت؛ چنان‌که کیهان با به‌کاربردن عنوان «چریک پیر سیاسی» برای بازرگان نوشت از زمان شروع بحران کنونی ایران وی بارها تکرار کرده است که برای جلوگیری از خونریزی باید آهسته جلو رفت (کیهان، ۵۷/۱۱/۱۷، ش ۱۰۶۳۱: ۱). روزنامه «یورکشایر پست» انگلیس هم نوشت؛ اگر بازرگان بتواند استقلال نظر خود را حفظ نماید، ممکن است بتواند پلی بین دو جبهه به‌وجود آورد که از جنگ داخلی جلوگیری نماید (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۹: ۱۷۳/۲).

سرانجام پس از این بحث و بررسی‌ها، امام در مراسم ۱۵ بهمن مدرسه علوی مهندس بازرگان را به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت معرفی کردند. سپس مخالفت با این حکومت را مخالفت با شرع دانستند و جزای کسانی که بر ضد این حکومت قیام کنند، را سخت اعلام کردند (آیندگان، ۵۷/۱۱/۱۷، ش ۳۲۸۲: ۲). ایشان همچنین از مردم خواستند از طریق مطبوعات و - تظاهرات آرام وی را تأیید کنند. بنابراین طی روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن راهپیمایی‌هایی از سوی اقشار مختلف در حمایت از بازرگان صورت گرفت. پس از انتصاب بازرگان به نخست‌وزیری، مهم‌ترین وظیفه وی گزینش و انتخاب وزیران و همکاران برای عضویت در دولت

بود. تلاش برای انتخاب وزراء با مشورت دکتر سحابی، کتیرایی، احمد صدر، صباغیان، یزدی و تیمسار مسعودی از ۱۵ تا ۲۵ بهمن ادامه یافت (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۹: ۸۹/۲-۸۳). در نهایت در جمع افراد کابینه بازرگان یازده نفر از اعضای نهضت آزادی و چهار نفر از انجمن اسلامی مهندسين (از شاخه‌های نهضت آزادی) استفاده شد (بازرگان، ۱۳۹۱: ۹۳/۲۴-۹۲). او همچنین از جمعی دیگر از نیروهای ملی-مذهبی و وابستگان آنها، در مناصب دیگری چون؛ شهرداری تهران (محمد توسلی)، رئیس انرژی اتمی (فریدون سحابی)، رئیس سازمان صدا و سیما (صادق قطب‌زاده)، رئیس هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران (حسن نزیه)، معاونت نخست‌وزیری (حسین بنی‌اسدی و ابوالفضل بازرگان) و... استفاده نمود.

نتیجه‌گیری

آغاز فضای باز سیاسی ۱۳۵۶ شروع دوران تازه‌ای از فرصت‌ها برای نهضت آزادی بود تا بار دیگر فعالیت‌های سیاسی خود را شروع کنند. اما در این فضا همچون گذشته این حزب بر اساس شیوه مبارزه و پیشینه فکری-سیاسی خویش همچنان مبارزه پارلماناریستی با رژیم را توصیه می‌کرد. لیکن در این دوران پراشتهاپ مخالفت‌ها، این شیوه مبارزه اصولاً کاربردی نداشت؛ زیرا امام خمینی و به تبعیت از ایشان ملت خواهان براندازی رژیم بود. لذا نهضت آزادی با آگاهی از این امر، به‌رغم ایدئولوژی، سازمان و خاستگاه طبقاتی متفاوت خویش برای ادامه مبارزه، راه‌حل اصولی را در پیوند با نیروهای مذهبی دید که از پایگاه اجتماعی گسترده‌تری برخوردار بودند. بنابراین اعضای نهضت با ورود به بطن فعالیت‌های سیاسی در جامعه انقلابی ایران به نگارش نامه و اعلامیه، شرکت و سازماندهی تظاهرات و راهپیمایی و تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی پرداختند. در این اثناء بازرگان با امام در پاریس دیدار کرد. این امر چرخشی آشکارا، در مواضع و رفتار سیاسی نهضت ایجاد کرد و سبب شد تا همکاری آنان با نیروهای مذهبی صورتی مستحکم‌تر به‌خود گیرد. پس از این ملاقات

درحالی که میان فعالان نهضت در همگرایی با انقلاب اسلامی تقریباً وحدت عقیده حکم فرما بود، آنان با نپذیرفتن همکاری با حکومت، و ورود به فعالیت‌های اجرایی و انقلابی خصوصاً تشکیل دولت موقت، سیاست همگرایانه خود با نیروهای انقلابی را تکمیل، و در تحولات منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی نقش آفرینی کردند.

کتابنامه

الف) اسناد

مراسن (مرکز اسناد انقلاب): ش. بازیابی ۱۳۴۵۸؛ ۱۵۵۳.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۴، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.

فرازهایی از تاریخ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک و آمریکا، تهران: سازمان اطلاعات و امنیت کشور، ۱۳۶۸.

مجموعه اسناد لانه جاسوسی، ج ۳ و ۱۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ش ۶-۱۰.

مجموعه اسناد نهضت آزادی (دفتر اول)، ج ۱۱، تهران: نهضت آزادی ایران، بی تا.

مجموعه اسناد نهضت آزادی (دفتر اول و دوم)، ج ۹، تهران: نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲.

ب) کتاب

استمپل، جان دی، درون انقلاب ایران، ترجمه منصور شجاعی، تهران: رسا، ۱۳۷۸.

امام خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، ج ۳ و ۵، تهران: عروج، ۱۳۷۹.

امیرانتظام، عباس، آن سوی اتهام، ج ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.

امیری، جهاندار، روشنفکری دینی لیبرال یا دین مدار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.

آبراهامیان، یرواند، اسلام رادیکال - مجاهدین ایرانی، ترجمه فرهاد مهدوی، آلمان: نیما، ۱۳۸۶.

- بازرگان، مهدی، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: مؤلف، ۱۳۶۳.
- بازرگان، مهدی، شصت سال خدمت و مقاومت، ج ۲، تهران: رسا، ۱۳۷۷.
- بازرگان، مهدی، انقلاب اسلامی ایران (۳ و ۲)، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
- برزین، سعید، زندگی نامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران: مرکز، ۱۳۷۴.
- باقی، عمالدین، بررسی انقلاب ایران، تهران: سرایی، ۱۳۸۲.
- بصیرت منش، حمید، مصاحبه با مهندس عزت الله سحابی، تهران: آرشیو مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (مصاحبه چاپ نشده)، بی تا.
- تاریخ تهاجم فرهنگی غرب، نقش روشنفکران وابسته، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۷.
- رضوی، مسعود، هاشمی و انقلاب، تهران: همشهری، ۱۳۷۶.
- روبین، باری، جنگ قدرت ها در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: آشتیان، ۱۳۶۰.
- سحابی، عزت الله، نیم قرن خاطره و تجربه، ج ۲، فرانسه: خاوران، ۱۳۹۲.
- سحابی، عزت الله، نیم قرن خاطره و تجربه، ج ۱، تهران: فرهنگ صهبا، ۱۳۸۸.
- سفری، محمدعلی، قلم و سیاست، ج ۴، تهران: نارمک، ۱۳۸۰.
- سولیوان، ویلیام و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، تهران: علم، ۱۳۷۵.
- سیک، گری، همه چیز فرو می ریزد، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
- صدر حاج سیدجواد، احمد، خاطرات صدر انقلاب، تهران: نشر مجبی، ۱۳۸۷.
- صفاریان، غلامعلی و معتمد دزفولی، فرامرز، سقوط بازرگان، تهران: قلم، ۱۳۸۲.
- طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی اجتماعی، ج ۲، تهران: عروج، ۱۳۷۸.
- علی بابایی، داوود، بیست و پنج سال در ایران چه گذشت، ج ۵، تهران: امید فردا، ۱۳۸۴.
- علیان نژاد، میرزا باقر، روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۵، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۴.
- قره باغی، عباس، اعترافات ژنرال، تهران: نشر نی، ۱۳۶۷.

۴۳۴ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

کرباسچی، غلامحسین، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۱.

گازیورسکی، مارک.ج، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز، ۱۳۷۱.
منتظری، حسینعلی، خاطرات آیت الله منتظری، ج ۱، بی جا: بی نا، ۱۳۷۹.

میلانی، محسن، شکل گیری انقلاب اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو، ۱۳۸۱.
نجاتی، غلامرضا، تاریخ ۲۵ ساله ایران، ج ۲، تهران: رسا، ۱۳۷۳.

نظری، مرتضی، خاطرات ماندگار، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.

ونس، سایرونس و برژینسکی، زیباییو، توطئه در ایران، ترجمه محمود مشرقی، بی جا: هفته، ۱۳۶۲.
هاشمی رفسنجانی، اکبر، دوران مبارزه، ج ۲، تهران: نشر معارف اسلامی، ۱۳۷۶.

یاحسینی، قاسم، همگام با آزادی، ج ۲، قم: صحیفه خرد، ۱۳۹۰.

یزدی، ابراهیم، آخرین تلاش ها در آخرین روزها، تهران: قلم، ۱۳۷۹.

یزدی، ابراهیم، شصت سال صبوری و شکوری، ج ۲ و ۳، تهران: کویر، ۱۳۹۴.

یوسفی اشکوری، حسن، در تکاپوی آزادی، ج ۲، تهران: قلم، ۱۳۷۹.

ج) نشریات

بسته نگار، محمد، «احمد صدرحاج سیدجوادی در صدر فعالیت های اجتماعی و سیاسی»، چشم انداز ایران، ش ۷۸، ۱۳۹۲، صص ۱۴-۹.

روزنامه اطلاعات.

روزنامه آیندگان.

روزنامه کیهان.

سحابی، عزت الله، «دریایی از انسان ها؛ گوشه هایی از خاطرات مهندس عزت الله سحابی»، چشم انداز ایران، سال دوم، ش ۱۲، ۱۳۸۰، صص ۳۵-۲۶.

نشریه شنبه: این اجتماع موقعیت مناسبی برای برخورد و ملاقات افراد جبهه با اصطلاح ملی و نهضت آزادی و احزاب وابسته و سایرین هم بوده که با دیدار زهم به گفتگو پرداختند.

نشریه سه شنبه: ۱- شنبه مورد اعتماد است و در تهیه و تقدیم گزارشات خود صادق میباشند.

۲- شرکت رهبران جبهه با اصطلاح ملی سابق و نهضت با اصطلاح آزادی و احزاب وابسته و اعضای احزاب مزبور در مراسم نماز عید فطر کمال قابل تعمق و سررسی نیز میباشند و همانطوریکه شنبه نظر داده موقعیت مناسبی جهت گفتگو و ترار جهت ملاقاتهای بعدی و احتمالاً شروع فعالیت در جبهه با اصطلاح ملی سابق نیز بوده است. رهبر

نشریه چهارشنبه: نظریه سه شنبه مورد تایید است. کسیکه در مورد اعلامیه خفنی صحبت کرده دکتس

محمد مفتوح میباشند
۱۳۵۶
۶/۳۱
۵/۱۳

محمد مفتوح میباشند
۱۳۵۶
۶/۳۱
۵/۱۳

سری

-۱۵-

اظهارات مهدی بازرگان در مورد حمایت گروه‌های افراطی از روحانیون و انتشار اعلامیه به امضا ۵۶ نفر از افراد وابسته به گروه‌های افراطی

۱- روز ۲۴/۱۲/۳۶ در مذاکراتی که بین مهدی بازرگان (عضو مؤسس جمعیت نهضت آزادی) با یکی از طرفداران حزب ملت ایران برهبری دانش‌پژوهان فرودان انجام گرفت، مهدی بازرگان در مورد حمایت گروه‌های افراطی از روحانیون و نقش روحانیت در به ثمر رسیدن فعالیت‌های گروه‌های مذکور مطالبی به شرح زیر اظهار داشت:

در شرایط فعلی باید از نقش جامعه روحانیت ایران در مبارزه علیه دستگاه استبداد کرد. چون اکثر مردم ایران را حوام و متمسکین مذہبی تشکیل میدهند و از روحانیت پیروی میکنند. در حالیکه جبهه ملی در برابر روحانیت از نفوذ ناچیزی در بین طبقات مختلف مردم برخوردار است.

مهدی بازرگان در ادامه مذاکرات خود در مورد تشکیل حزبی بنام حزب اسلامی گفته: چنانچه آیت‌الله سید کاظم شریعتی از پیروان خواهد حزبی تشکیل دهد، باید ما مسلمانان آگاه آنرا تشکیل دهیم.

بازرگان در سخنانی گفتگوهای خود اظهار داشت: ما مجلس جبهه کرد ما می‌توانیم هرگز از مراسم عید نوروز را حسرت‌ناگوار نگذاریم و قرار است پس از اخذ امضا از ده ای دیگر نسبت به تکمیل و توزیع آن اقدام کرد.

۲- روز ۲۴/۱۲/۳۶ اعلامیه مورد اشاره مهدی بازرگان به امضا ۵۶ تن از طرفداران جمعیت با اصطلاح نهضت آزادی و تعدادی دیگر از هواداران جبهه با اصطلاح طوسی از جمله طوسی اصغر حاج سید جواد، رحمت‌الله مقدم، مراد علی، حسن نوری، مهدی بازرگان و اسلام کاظمی در تهران انتشار یافته و نسبی از آن در نزد افراد مختلف مشاهده شده است. این اعلامیه را دانش‌پژوهان فرودان با پیوسته‌های آنها پیکان (گردانندگان گروه اتحاد نیروهای جبهه با اصطلاح ملی) امضا کرده‌اند.

متن اعلامیه مذکور شرح زیر است:

تا جمعه خونین ۲۹ بهمن ماه تیر و قتل و جرح عده کثیری از هموطنان مستبد بده ما در آن شهر که در چهلمین روز کشتار سرخانه مردم بیگناه مسلمانان صورت گرفت، ملت ایران را

.....

سری



سری

-۱۲-

نامه مهدی بازرگان بعنوان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

اعتراف تعداد معدودی نامه خطی پستی که به امضا مهدی بازرگان (عضو موسس جمعیت باصلاح نهضت آزادی) و تاریخ ۱۳۵۷/۲/۳۰ که بعنوان آقای مهندسان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی نوشته شده، توسط پست داخلی جهت برخی از اشخاص در شهرستانها ارسال گردیده است.

متن نامه مذکور بشرح زیر است:

اعلیحضرت همامیونتی علاقمندند برای ارائه نظریات خود به مردم ایران و جهان و اثبات خدمات و ترقیات کشور، ارتباط مستقیم از طریق سخنرانیهای عمومی و مصاحبه های مطلوباتی ویراد بوی تلویزیونی برقرار فرمایند. از طرف دیگر معترضین و مخالفین را مارکسیستهای اسلامی و گروههای کوچک اخلاکگر که فریب خوردند و موافقیان با مسزود و بهنگانگان هستند، قلمداد میفرمایند.

نظریاتی که با توجه به نتایج کار نمیدانند که آنها غالباً خبرنگاران یا افراد دست چپین شده روزنامه های تحت سانسور یا حزب و ایجاد هستند که با پرسشهای پیش ساخته، نقشی جز تا بهیچ فرمایشات ملوکانه ندارند، چنانچه نمیتوانند به لحاظ اطلاع مردم ارزش و برای اقتناع آنان اثری داشته باشد. ولی چنانچه صاحب نظران مخالف را احضار فرمایند مقابل توضیحات طرفین و دلائل مستند، حقایق را آشکارا و اثبات مطالب را قطعی تر خواهد ساخت. ضمناً اقدام دموکراتیک و صلح جوانان را انجام دهد و فرصت داده میشود کسانی که در وسایل ارتباط جمعی و راه مطبوعات عمومی پروپاگاندا بسته است، چند فاع مشروع پیدا نمایند.

در هر حال اینجانب آمادگی و اشتیاقی در درخواست خود را برای چنین مصاحبه تلویزیونی و مباحثه ملی، بینهایتی با به همراه چند نفر دیگر از مخالفین نظام حاضر، اعلام میدارم و فکر میکنم شاید مقام شاهنشاهی نیز چنین باشد که بکار با معترضین خود بجای چمان و مسلسل و تانک با سلاح منطقی و قانون روبرو شوند.

موضوعات پیشنهادی:

— نظام شاهنشاهی و قانون اساسی.

— کیفیت / . . .



- کیفیت و کمیت مخالفین .
 - آزاد بهای قانونی و خشونت‌های پلیسی .
 - خدمات و ترفیحات بعد از انقلاب .
- ارزیابی خمینی:
- ارسال نامه صحت داشته و مطالب بالاد را آن درج شده است .
- اندامات انجام شده :
- مراتب به نخست وزیری اعلام گردیده است .

سند پیوستی شماره (۳): درخواست ملاقات بازرگان با شاه.

تاریخ

ملاقات دو تن از روحانیون آذربایجان مشهد با مهدی بازرگان در تهران

روز ۱۹ / ۳ / ۳۷ د. تن از روحانیون آذربایجان مشهد با مهدی بازرگان در تهران
مجلسی در وقت عصر ساعت ۵:۳۰ در محل مطبوعه روزنامه «آذربایجان» در تهران
ملاقات کردند.

نامبردگان با مهدی بازرگان - عضو هیئت مدیره با اصطلاح «هیئت آزادی» و «گروه آزادی»
جمعیت ایرانی و نافع از آزادی و حقوق مردم در تهران ملاقات نمودند و با احتیاط
در باره اوضاع روزگار آذربایجان و مشکلات مردم آنجا گفتگو کردند.
پس از آن ملاقات به مشهد مراجعت کردند.

از این خبر:

خبر جمعیت دارد.

ادامه اخبار خواهد شد.

مراجعه به قسمت ویژه اطلاع کردید.

سری

۱۳۵۵ هـ ش

۱۳۵۵ هـ ش

سخنرانی و اظهارات مهیندین مهدی بازرگان و شیخ علی اکبرهاشمی رفسنجانی جهت کارکنان و کارمندان پالایشگاه آبسازان

مقتضی ساعت ۱۶۰۰ روز ۱۶ / ۱۰ / ۵۷ هـ.ج. اجتماع با شرکت کارکنان پالایشگاه نفت آبادان
در مطابقت کارگاه مرکزی پالایشگاه مذکور تشکیل گردیده است .
در این اجتماع ابتدا مهیندین مهدی بازرگان ضمن قرائت آیه‌ای از کلام اله مجید اظهار داشته:
ماهیت اعزامی امام خمینی مستقیم .
آنگاه شیخ علی اکبرهاشمی رفسنجانی یکی از همراهان هیئت یاد شده به مبارزات به سخنرانی
نموده و گفته:

بنابراین اظهارات امام خمینی باید اعتصاب داده داشته باشد . چون دولت میخواهد با این
حرکت اعتصاب علیه نهضت استفاده کند یعنی بگوید ما با ایجاد اعتصابات مردم را از حرم
و گرسنگی میکشیم و لذا امام خمینی تصمیم خود را تغییر داده و ابلاغ فرموده اند که باید قسمتی
از اعتصاب را بشکنیم بطوریکه مصرف داخلی نفت تامین شود . چون مبارزه ما علیه استبداد و
استعمار راست نه علیه ملت مسلمان . هدف ما اینست که مصرف داخلی نفت تامین شود
میخواهیم در اعتصاب بافتند تا در پیروزی و خاتمه دادن به این حکومت ظلم و استبداد . ۵ ساله
شاه .

در این هنگام اجتماع کنندگان با گفتن: " بگویم بر . . . " و شعارهای مضروب و ضد ملیستی و
صهیونیستی داد و واخلام کردند مانند که باید تمثال اعظم حضرت رضاشاه کبیر از سردرب کارگاه مرکزی
بازین آورده شود که شمع آتش از کارکنان شرکت غالب مزین به تمثال اعظم حضرت رضاشاه
کبیر از سردرب کارگاه مرکزی با این آورده است .
سخنران صورت بحث چنین افزود:

در این چند سال سابقه با شما جنابات زیاد کرده و به افراد بهنگاه شکنجه زیاد داده است .
خود من (عاشقی) و آیات اله مخالفان و مضطربان به زندان اوین برده شد و شکنجه دادند .
حالا شاه نتیجه نداده و نتیجه شکنجه در صورتیکه زندان اوین با فضا و فضا به زیاد شد است
و بعد اینکه متعلقین را می کشند . به سبب امام خمینی عیند و نفسی تا زمانیکه شاه در ایران است
سرای ما غایب نمیشود نسبت عکراینگه شاه برود و بعد دولت تشکیل گردد .

انتهایی / . . .

سری

-۶-

اجسام تظاهراتی و راه پیمایی در شهر قم

مناقض انتشار غیرمعمول برانتخاب آقای مهدی بازرگان به عنوان نخست وزیر حکومت اسلامی از ناحیه آیت اله خمینی، از ساعت ۹۰۰ روز ۱۷/۱۱/۵۷ گروه‌هایی از طبقات مختلف مردم بطور پراکنده در برخی از خیابانهای شهر قم به راه پیمایی و تظاهرات میاد رت نموده و در مسیر حرکت نیز شعارهایی نظیر «آری از آیت اله خمینی و مهدی بازرگان ولایت دولت داده اند!»

ارزیابی خبر:

خبر موثقت دارد.

طبقه بندی حفاظتی	درجه فوریت
تلفغات وارده	(۷)
۱- به ۳۱۴	۲- از ضایعه
۳- شماره ۳۹۳۸۳	۳- تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۷
	۴- ساعت دریافت ۱۸/۱۱/۵۷
	۶۴

شماره پیوست
بازگشت

از ساعت ۱۰ صبح روزهای ۱۰ و ۱۱ در هیئت وزیران در مجلس
فصلت مردم منظور جانبداران از آنتاب صدر، زرگان در
ضیاء رضاییه به راه پیوسته میزبانان در ۱۲
اتفاق و درگیری متفرق گردیدند. در حدود یک افزایش
نیم از اعضای مرزبانان در محوطه مسجد رسیده بودند
سرور اصابت گلوله واقع که فوت کردند و در ۱۳
۱۵ روز جابر تسبیح صیغه در برابر خواهد شد!

بسی



سند پیوستی شماره (۷): تظاهرات مردم رضاییه در حمایت از نخست وزیر بازرگان.